

بررسی افزوده‌های ترجمه رضایی با محوریت سوره مائده

انسبه سادات هاشمی^۱، فائزه مهدوی^۲

چکیده

موضوع پژوهش حاضر تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری ترجمه آقای رضای اصفهانی با محوریت سوره مائده است. مراد از افزوده‌های تفسیری، تعبیر و جملاتی است که مترجم به عنوان توضیح و تبیین متن قرآن در ترجمه بیان می‌کند. در این پژوهش از الگوهای جدید ارزیابی ترجمه برای نقد ترجمه قرآن استفاده شده است. الگوی مورد استفاده در این مقاله الگوی مبدا مدار آنتوان برمن با عنوان گرایش‌های ریخت‌شکنانه ترجمه است و از میان سیزده مؤلفه این الگو مؤلفه شفاف‌سازی برای مطالعه انتخاب شده است. داده‌های این پژوهش از ترجمه سوره مائده توسط رضایی اصفهانی استخراج شده‌اند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در ترجمه رضایی اصفهانی نیز همانند سایر ترجمه‌ها شفاف‌سازی‌های بسیاری صورت گرفته است. این شفاف‌سازی‌ها گاه ضروری و اجتناب‌ناپذیر هستند، اما در مواردی که امکان اجتناب از توضیح و شفاف‌سازی باشد استفاده از این مؤلفه بر اساس الگوی برمن گرایشی منفی است.

واژگان کلیدی: الگوی ارزیابی ترجمه، افزوده‌های ترجمه، گرایش‌های ریخت‌شکنانه، آنتوان برمن، رضایی اصفهانی، شفاف‌سازی.

۱. تبیین مسئله

قرآن کریم کتابی جهانی است و برای انتقال پیام آن به جهانیان چاره‌ای جز ترجمه آن به زبان‌های مختلف نیست. از سوی دیگر حساسیت و اهمیت این کتاب مقدس ترجمه آن را دشوار و حساس می‌کند، پس باید ترجمه‌های قرآن از دیدگاه‌های مختلف زبانی، تفسیری، کلامی و غیره نقد و بررسی شود. نقد سازنده باید بی‌طرف و متکی به نظریات علمی باشد و از ذوق و سلیقه و نظرات شخصی دور باشد. به همین دلیل لازم است که برای نقد ترجمه نیز از نظریات و دیدگاه‌های علم مطالعات ترجمه بهره گرفت. اگرچه تاکنون نقدهای بسیاری از ترجمه‌های قرآن صورت گرفته است، ولی این نقدها بیشتر به نقد ادبی بر اساس دیدگاه‌های صرفی و نحوی علمای ادب و یا نقد تفسیر بر اساس تفاسیر و غیره پرداخته‌اند. آنچه جای

۱. مدرس گروه علمی- تربیتی زبان و ادبیات عرب، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

خالی آن در نقد ترجمه قرآن احساس می‌شود بهره‌گیری از نظریات مطالعات ترجمه است. بر همین اساس این مقاله الگوی ارزیابی ترجمه‌آنتوان برمن را محور کار خود قرار داده است. برمن فیلسوف و مترجم فرانسوی است که با مطالعه ترجمه‌های مختلف به این نتیجه رسیده است که در ترجمه‌ها تغییراتی صورت می‌گیرد که باعث انحراف متن اصلی از شکل اولیه خود می‌شود. برمن در الگوی خود بر حفظ اصالت متن اصلی و اجتناب از تغییرات ترجمه‌ای تأکید دارد. وی در این راستا به سیزده گرایش ریخت‌شکنانه اشاره می‌کند که باعث تغییرات ترجمه می‌شوند. مقاله حاضر از میان این سیزده گرایش، گرایش شفاف‌سازی را معیار نقد خود قرار داده است. داده‌های این تحقیق از ترجمه رضایی اصفهانی انتخاب شده است. علت انتخاب این ترجمه این است که دیدگاه رضایی اصفهانی در ترجمه مانند گرایش آنتوان برمن مبنی بر حفظ اصالت متن اصلی است و شرط نقد نیز آن است که الگوی نقد با داده نقد هم‌مسیر باشند. مطالعه موردی این تحقیق با محوریت سوره مائده صورت می‌گیرد. شفاف‌سازی در ترجمه، گاه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و گاه اجتناب‌پذیر است. در صورت دوم اولویت در ترجمه‌های مبدأگرا اجتناب از شفاف‌سازی و حفظ اصالت متن اصلی است. در ترجمه رضایی اصفهانی نمونه‌هایی از شفاف‌سازی ضروری و غیرضروری که آن را شفاف‌سازی مثبت و منفی می‌نامند، یافت می‌شود. مقاله حاضر این مصادیق را بررسی و تحلیل می‌کند.

۲. پیشینه علمی

بر اساس بررسی‌های انجام شده تاکنون پژوهش‌های زیادی پیرامون بررسی عبارات و تعبیرات افزوده در ترجمه‌های معاصر قرآن به منظور تحلیل و سنجش میزان تطابق آنها با آراء مفسران صورت گرفته است از جمله: بررسی افزوده‌های تفسیری ترجمه‌های معاصر در اجزاء ۱ و ۲ تألیف زهرا چراغچی از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. بررسی افزوده‌های تفسیری ترجمه‌های معاصر در اجزاء ۵ و ۶ نوشته مهسا زندی گوهرریزی از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران. بررسی افزوده‌های تفسیری ترجمه‌های معاصر در اجزاء ۹ و ۱۰ نوشته معصومه امیری از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران. در تمام این پژوهش‌ها تنها افزوده‌های تفسیری بررسی شده است که تجزیه و تحلیل آن بر مبنای تفاسیر و نتیجه‌گیری محقق است و مبنای نظری ترجمه و الگوهای ارزیابی ترجمه در تحلیل آنها بررسی نشده است. پژوهش حاضر سعی دارد که افزوده‌های ترجمه رضایی در سوره مائده را با استفاده از

الگوی آنتوان برمن و مؤلفه شفاف‌سازی بررسی کند. این بررسی، خاص افزوده‌های تفسیری نیست و سایر افزوده‌ها مانند نحوی، صرفی و ... را نیز شامل می‌شود. آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌های صورت گرفته متمایز می‌کند بهره‌گیری آن از الگوی آنتوان برمن است. پیش از این، فقط در ارزیابی ترجمه صحیفه سجادیه و نهج البلاغه در مقالات زیر از این الگو استفاده شده است:

- فرهادی، محمد و دیگران (۱۳۹۶). نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۱۷) ۳۱، ص ۵۴.

- مسبوق، سید مهدی و دیگران (۱۳۹۴). نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنا آنتوان برمن. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، (۴) ۹۹، ص ۱۲۰.

۳. معرفی مترجم

دکتر محمد علی رضایی اصفهانی از قرآن پژوهان معاصر در سال ۱۳۴۱ در اصفهان متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات کلاسیک و اخذ دیپلم وارد حوزه علمیه شد. وی دروس مقدماتی را در یکی از مدارس علمیه اصفهان به پایان رساند. آن گاه در سال ۱۳۶۹ به قم رفت و پس از مدتی دروس سطح را به پایان رساند. در همین ایام، یعنی سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه تربیت مدرس قم شد و بعد از ۳ سال موفق به گذراندن دوره فوق لیسانس شد. در سال ۱۳۷۲ در درس خارج فقه و اصول آیت الله صالحی مازندرانی شرکت کرد و مدت ۵ سال از محضر ایشان بهره برد. در همین ایام در رشته دکترای علوم قرآن دانشگاه آزاد پذیرفته شده. بعد از ۳ سال موفق به اخذ درجه دکتری شد. رساله دکتری وی با موضوع درآمدی بر تفسیر علمی قرآن است که پس از دفاع از آن و اخذ درجه دکتری آن رساله را با همین نام چاپ کرد. به دلیل علاقه فراوانی که درباره تفسیر علمی آیات قرآن داشت بعد از مدتی موفق به چاپ کتابی با نام پژوهشی در اعجاز علمی قرآن شد که تا کنون چندین نوبت چاپ شده است و در سال ۱۳۸۳ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد. وی تألیفات متعددی از ۲۰ کتاب و ۵۰ مقاله دارد که بیشتر در زمینه تفسیر و علوم قرآن است. از جمله: درس نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، درس نامه تفسیر مقدماتی و شیوه‌های تدریس در حوزه‌های علمیه. وی اکنون عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و انجمن قرآن پژوهی است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶، ۳/۲)

۴. معرفی آنتوان برمن

آنتوان برمن فیلسوف فرانسوی و مورخ و مترجم ادبیات آلمانی و اسپانیایی از نظریه پردازان مبدأگرا در ترجمه است که تحت تأثیر فلسفه، نگاهی نو به مطالعات ترجمه دارد. او ترجمه را مسیری ادبی و خلاقانه می‌پندارد و موضوع بررسی‌هایش در مرحله اول ترجمه گفتار منثور است. این ترجمه‌شناس بزرگ فرانسوی با وجود کمی تألیفات، تأثیرات فراوانی بر نقد و مطالعات ترجمه دارد. او در ترجمه از پیروان فردریش شلایر ماخر فیلسوف آلمانی است که یکی از کنفرانس‌های او با نام روش‌های متفاوت ترجمه کردن را ترجمه کرده است. از آثار او می‌توان به ترجمه و لفظ یا مهمان‌سرای در دور دست، آزمون بیگانه و ترجمه و جست‌وجوی علمی اشاره کرد. (امینی، ۱۳۸۸، ص ۱۴)

۴-۱. دیدگاه برمن درباره ترجمه

از نظر آنتوان برمن ترجمه بد ترجمه‌ای است که به بهانه انتقال‌پذیری به انکار نظام‌مند غربت اثر بیگانه می‌پردازد، اما ترجمه تنها یک میانجی‌گری صرف نیست بلکه فرایندی است که در آن رابطه با دیگری در میان است. (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۴) به اعتقاد وی در ترجمه هر متن بیگانه باید حالت غریبگی اش در زبان مقصد را حفظ کرد و نباید در ترجمه تغییراتی به نفع زبان مقصد انجام داد؛ زیرا معنا از طریق صورت منتقل می‌شود. برمن بر این عقیده است که باید از هرگونه مقدس‌شماری زبان مادری اجتناب کرد. وی هرگونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر در ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف بندی را تحریف متن اصلی می‌داند و از آن به عنوان سیستم تحریف متن یاد می‌کند. زمانی که به عقاید برمن دقت شود به نظر می‌رسد این عقاید بسیار کمال‌گرایانه است و در عمل ترجمه‌چندان کاربردی ندارد (مهدی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۵۸). نظریه برمن بر حفظ اصالت متن اصلی تأکید دارد و به وفاداری مترجم در ترجمه معتقد است. او در الگوی خود‌گرایش‌های ناموزون‌کننده ترجمه را شامل تضعیف کیفی متن، تضعیف کمی متن، تخریب عبارات و اصطلاحات، منطقی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب، آراسته‌سازی، تخریب ریتم، واسازی نشانگان اصلی موجود در مفهوم متن، واسازی شبکه بومی یا بیگانه‌سازی آنها، واسازی الگوی زبانی متن مبدأ، همگون‌سازی، امحاء برهم‌نهادگی زبان‌ها می‌داند (نیازی؛ قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۳۷). این مقاله مؤلفه شفاف‌سازی این الگورادر ارزیابی افزوده‌های ترجمه

رضایی اصفهانی به کار گرفته است.

۵. شفاف سازی

گرایش شفاف سازی به نوعی در نتیجه عمل منطقی سازی به وجود می آید. منطقی سازی در درجه اول به ساختار ترکیبی متن اصلی توجه دارد و علاوه بر آن به علامت‌های وقف، یعنی ویرگول، نقطه و ... که از عناصر دقیق داخلی متن هستند، اهتمام دارد. منطقی سازی، ترکیب جملات و پاراگراف‌ها را از نو پایه‌ریزی می‌کند به شیوه‌ای که بتوان آنها را بر اساس اندیشه‌ای معین حول نظام گفتمان تنظیم کرد. بنابراین، منطقی سازی به شدت به خط سیر متن حمله کرده و با نادیده گرفتن امور فرعی متن اصلی آنها را در خدمت خط سیر منطقی موضوع درمی‌آورد. بین این دو گرایش تفاوت بسیار مهمی است. منطقی سازی در سطح نحوی متن انجام می‌شود و شفاف سازی مربوط به لایه معنایی جملات است. مترجم در این گرایش با افزودن کلمه یا کلماتی به متن دست به روشن‌گری می‌زند و کلمات یا عباراتی را که در متن مبدأ به صورت عمدی مبهم و غیر مشخص مانده‌اند را توضیح می‌دهد و رفع ابهام می‌کند. (نیازی؛ قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص ۴۱) بر من شفاف سازی را تحریف در ترجمه می‌داند، ولی در ترجمه قرآن گاهی اوقات شفاف سازی ضروری است. این ضرورت گاهی به تفاوت ساختاری زبان عربی و فارسی و گاهی به ویژگی ایجاز زبان قرآن و دلایل دیگری برمی‌گردد که در این مقاله بررسی می‌شوند.

۶. نگاهی گذرا به سوره مبارکه مائده

سوره مائده چهارمین سوره از سبع طوال، پنجمین سوره بر حسب ترتیب فعلی قرآن، آخرین سوره مفصل و نود و یکمین سوره بر حسب ترتیب نزول است. این سوره مدنی پس از سوره احزاب و پیش از سوره ممتحنه نازل شده است و جایگاه آن در مصحف پیش از سوره انعام است. علت نام‌گذاری آن به سوره مائده به این دلیل است که داستان نزول مائده برای یاران حضرت عیسی علیه السلام در آیه ۱۱۴ این سوره ذکر شده است. خطوط کلی و محورهای اصلی سوره مائده را توحید اسمای حسنی الهی، حکومت اسلامی و ولایت تشکیل می‌دهد.

۷. بررسی افزوده‌های ترجمه رضایی

- افزوده‌های ترجمه رضایی به چند دسته تقسیم می‌شوند:
- افزوده‌های تفسیری؛
- افزوده‌های اختیاری مترجم؛
- افزوده‌های مربوط به شأن نزول؛
- آشکارسازی عبارات مقدر؛
- اشاره به مرجع ضمیر و اسم اشاره؛
- افزوده‌های مربوط به ساختار کلمه.

اگرچه بر من شفاف‌سازی را در ضمن مؤلفه‌های منفی و ریخت‌شکن ترجمه معرفی می‌کند، اما خود به شفاف‌سازی ضروری اعتقاد دارد و آن را تنها در مواردی منفی می‌داند که نویسنده قصد ابهام داشته باشد یا برای عدم توضیح مطلب دلیلی داشته است و مترجم با توضیح و شفاف‌سازی، غرض نویسنده را باطل کرده است. بر این اساس در ترجمه قرآن نیز وقتی شفاف‌سازی به توضیح مطلبی بپردازد که قرآن قصد توضیح آن را نداشته است گرایشی منفی محسوب می‌شود. گاهی مطلبی در زبان عربی روشن است، اما به دلیل فقدان معادل در زبان فارسی یا تفاوت‌های ساختاری دوزبان، مترجم ناچار است برای بیان مطلب دست به شفاف‌سازی بزند. این موارد شفاف‌سازی اجباری گرایشی مثبت هستند.

۸. مصادیق شفاف‌سازی در ترجمه رضایی

۸-۱. افزوده‌های تفسیری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُجَلَّى الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به قراردادها وفا کنید. گوشت و جنین دام‌های زبان بسته برای شما حلال شده است مگر آنچه حکمش بر شما خوانده می‌شود. در حالی که شما در احرام هستید شکار کردن را حلال نشمرید. به راستی خدا هر چه را بخواهد، حکم می‌کند. (مانده: ۱)

در تفسیر المیزان به نقل از مرحوم طبرسی آمده است:

کلمه بهیمه به هر حیوان صحرائی و دریایی که با چهار پا راه برود گفته می‌شود و اضافه بهیمه به کلمه انعام از باب اضافه نوع به یکی از اصناف خودش است و در

ادامه بیان می‌کند که بعضی از مفسرین گفته‌اند کلمه بهیمه به انعام اضافه نشده است بلکه به کلمه جنین که در تقدیر است، اضافه شده است و تقدیر کلام بهیمه چنین انعام است که بر این اساس اضافه از نوع لامی بوده است، یعنی حرف لام در تقدیر است. واژه بهیمه با توجه به گستردگی معنایی شامل گوشت چهارپایان، جنین آنها، پشم، کرک، مو و سایر مصارف آنها می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۳/۵)

مترجم با توجه به توضیحات تفسیری، عبارت گوشت و جنین را به ترجمه خود افزوده است. این توضیح تفسیری به مطلبی فراتر از آیه اشاره می‌کند و اگر متکلم قصد بیان آشکار آن را داشت واژه جنین را در آیه می‌آورد. بنابراین، مترجم امانت‌دار و مبدأگرا باید به ترجمه آیه اکتفا کند و سایر توضیحات و مصادیق را به تفسیر واگذار کند. بنابراین، در این آیه افزوده مترجم گرایشی منفی به شمار می‌رود.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخُزَيْرِ وَ مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ
 الْمَوْقُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّدَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّعْجُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَ
 أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ...

بر شما حرام شده است خوردن مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که به هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن بانگ زده شده است و حیوانات خفه شده و بر اثر زدن یا بیماری مرده و از بلندی افتاده و جان سپرده و به ضرب شاخ کشته شده و آنچه درنده از آن خورده مگر آنچه را زنده در یابید و سر ببرید و آنچه بر آستان بت‌های سنگی سر بریده شده است و نیز تقسیم کردن گوشت حیوان به وسیله چوب‌های شرط بندی این کارها همگی نافرمانی است... (مائده: ۳)

عبارت «إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ» در آیه فوق بیان گر این است که اگر هر یک از حیوانات مذکور در آیه، یعنی منخنقه، موقوده، متردیه، نطیحه و ما اکل السبع قبل از جان سپردن به صورت شرعی ذبح شوند، حلال هستند و استفاده از آنها جایز است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۹/۵) واژه ذکیتم با ایجاز خود چند معنا دارد که امکان انتقال آنها در یک واژه در زبان فارسی نیست. به همین دلیل مترجم ناچار شده است با ذکر عبارتی در پرانتز به شفاف‌سازی بپردازد و چون بدون این شفاف‌سازی دلالت آیه به درستی منتقل نمی‌شود شفاف‌سازی در این آیه گرایشی مثبت و ضروری است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ
 امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ اذْكُرْكُمْ إِلَى الْكَعْبَتَيْنِ وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا...
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بر می‌خیزید، پس چهره‌هایتان

و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سر‌هایتان و پاهایتان را تا دو مفصل یا برآمدگی روی پاها مسح کنید... (مائده: ۶)

در آرجل دو نوع قرائت وارد شده است: یکی نصب و دیگری جر. اهل سنت می‌گویند: «شستن پاها واجب است نه مسح آنها». شیعه می‌گوید: «مسح پاها واجب است نه شستن آنها». علامه طباطبایی در *المیزان* هر دو دیدگاه را تبیین کرده است:

بعضی کلمه ارجل را به جر قرائت کرده‌اند، یعنی آن را عطف بر کلمه علی رؤسکم گرفته‌اند و یا مجرور بودنش از باب تبعیت است نه از باب عطف. بعضی دیگر کلمه ارجلکم را به نصب خوانده‌اند و شما خواننده عزیز اگر با ذهن خالی از هر شائبه و اینکه فلانی چه گفته است و آن دیگری چه گفته است این کلام را از گوینده‌ای بشنوی، بدون درنگ حکم می‌کنی به اینکه کلمه ارجلکم عطف است بر موضعی که کلمه رؤسکم دارد و در جمله: «وَأَمْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ» کلمه رؤوس هر چند که به ظاهر مجرور به حرف جر است، ولی موضعش موضع مفعول برای فعل امسحوا است؛ زیرا می‌فرماید سر خود را مسح کنید و چون موضع کلمه رؤوس نصب است کلمه ارجل نیز باید به نصب خوانده شود. در نتیجه از کلام آیه می‌فهمی که در وضو واجب است صورت و دو دست را بشویی و سر و دو پا را مسح کنی و هرگز به خاطر نمی‌رسد که از خودت بپرسی چطور است ما کلمه ارجلکم را برگردانیم به کلمه وجوهکم که در اول آیه است؛ زیرا خودت در پاسخ خودت می‌گویی حکم اول آیه، یعنی شستن به دلیل آمدن و فاصله شدن حکمی دیگر، یعنی مسح کردن بریده شد. آری طبع سلیم هیچ گاه حاضر نیست کلامی بلیغ چون کلام خدای عزوجل را جز بر چنین معنایی حمل کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۵۹/۵)

مترجم به علت تفاوت دو دیدگاه شیعه و اهل سنت و ترجیح دیدگاه مذهب شیعه این افزوده را در ترجمه خود بیان کرده است. این شفاف‌سازی مثبت است.

۸-۲. افزوده‌های مربوط به شأن نزول

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاؤُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نه مراسم حج و نشانه‌های خدا و نه ماه‌های حرام و نه قربانی‌های بی‌ نشان و نه نشاندار و نه قصد کنندگان خانه محترم خدا در حالی که بخششی و خشنودی‌ای از پروردگارشان می‌جویند را حرمت شکنی نکنید و

حلال ندانید و هنگامی که از احرام بیرون آمدید، پس می‌توانید شکار کنید و البته کینه‌توزی گروهی برای اینکه شما را از آمدن به مسجد الحرام در صلح حدیبیه باز داشتند شما را وادار نکند که تعدی کنید و برای نیکوکاری و خودنگهداری و پارسایی با یکدیگر همکاری کنید و برای گناه و تعدی با یکدیگر همکاری نکنید و خودتان را از عذاب خدا حفظ کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است. (مائده: ۲)

در این آیه نه تنها اشاره به صلح حدیبیه یا عدم اشاره به آن در انتقال دلالت معنایی آیه تأثیری ندارد بلکه مترجم با ذکر شأن نزول، دلالت و عمومیت آیه را محدود می‌کند و به شفاف‌سازی منفی روی آورده است.

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ.

و خدا زاغی را برانگیخت که در زمین جست و جو کند تا به او نشان دهد چگونه جسد بد بوی برادرش را پنهان کند. قابیل گفت ای وای بر من آیا عاجزم از اینکه مثل این زاغ باشم و جسد بد بوی برادرم را پنهان کنم؟ و سرانجام از پشیمانان شد. (مائده: ۳۱)

این آیه بیان گر داستان فرزندان حضرت آدم عليه السلام است که خدای تعالی کلاغی را فرستاد تا با کندن زمین به قاتل تعلیم دهد چگونه جسد برادر را در زمین پنهان کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵/۵۰۲) مترجم با ذکر نام قابیل در ترجمه خود به شأن نزول آن اشاره کرده است. قرآن در هیچ آیه‌ای به نام هابیل و قابیل و بسیاری نام‌های دیگر اشاره نکرده است. عدم ذکر نام‌ها با این هدف صورت می‌گیرد که مخاطب به جای اینکه درگیر مصادیق شود به تأمل در مفاهیم و پیام‌های آیه روی بیاورد. مترجم با ذکر نام قابیل این غرض را باطل می‌کند و شفاف‌سازی او در قسمت شفاف‌سازی‌های منفی جای می‌گیرد.

۸-۳. افزوده‌های اختیاری مترجم

وَإِذْ كَرُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّتِي وَاتَّقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَتَّقُوا اللَّهَ

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ.

و به یاد آرید نعمت خدا را بر شما و پیمان محکمش را که با آن از شما میثاق گرفت آن گاه که گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم و خودتان را از عذاب خدا حفظ کنید. به راستی که خدا به اسرار درون سینه‌ها داناست. (مائده: ۷)

از قرینه ذات الصدور دریافت می‌شود که منظور اسرار نهفته در سینه‌هاست نه اعضای

داخل سینه. اگرچه تفاسیر خود را ملزم می‌دانند که دلالت این عبارت را تبیین کنند، اما چون برای متکلم امکان ذکر واژه اسرار در آیه بوده است، روشن می‌شود که عدم ذکر آن دلیلی داشته است و مترجم باید در حفظ این ایجاز با متن اصلی همگام باشد، پس ذکر کلمه اسرار در این ترجمه، شفاف‌سازی منفی است.

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلَ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلَّلَ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْأَخْزَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

امروز (همه) پاکیزه‌ها برای شما حلال شده و غذای کسانی که به آنان کتاب (الهی) داده شده است برای شما حلال و غذای شما برای آنان حلال است و (نیز) زنان پاکدامن از مؤمنان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [الهی] داده شده (حلال اند) هنگامی که مهرهایشان را به آنان بپردازید در حالی که پاکدامنانی غیر زشت‌کار (غیر زناکار) باشید و نه اینکه زنان را در پنهانی دوست (خود) بگیرید و هر کس (ارکان) ایمان را انکار کند، پس عملش تباه می‌شود و او در آخرت از زیان‌کاران است.

منظور از کافر شدن به ایمان، خود ایمان نیست بلکه کافر شدن به یکی از ارکان ایمان است. مترجم برای توضیح، این نکته را در داخل پرانتز آورده است. چون این توضیح با اختیار مترجم صورت گرفته است شفاف‌سازی انجام شده، منفی است.

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَ عَلَى اللَّهِ فِتْوَاكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

دو مردی از [میان] کسانی که می‌ترسیدند [و] خدا به آن دو نعمت داده بود، گفتند از آن دروازه بر ایشان (بتازید و) وارد شوید و هنگامی که وارد آن شدید پس به راستی شما پیروز‌مندانید و اگر مؤمنید، پس فقط بر خدا توکل کنید. (مائده: ۲۳)

فعل ادخلو هرگز به معنای بتازید نیست و مترجم به علت سیاق آیه آن را در داخل پرانتز به ترجمه خود اضافه کرده است. دخول، یعنی داخل شدن و ضد خروج. اگر بگویند چرا آن را ورود ترجمه نکردیم، می‌گوییم ورود با دخول فرق دارد و آن در زمان و مکان و اعمال به کار می‌رود. «نحو و مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران: ۹۷). «وَ دَخَلَ مَعَهُ السَّجْنُ فَنَيَّانِ» (یوسف: ۳۶). شفاف‌سازی صورت گرفته منفی است.

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاوِزًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.

و این کتاب [قرآن] را به حق بر تو فرو فرستادیم در حالی که مؤید کتاب‌های پیش از آن است و نگهبان بر آن [ها] است، پس بر طبق آنچه که خدا فرو فرستاده است در بین آنان داوری کن و از هوس‌های آنان پیروی نکن در حالی که (منحرف شده‌ای) از آنچه که از (احکام) حق به سوی تو آمده است. برای هر کدام از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد، ولی (چنین نکرد) تا [اینکه] شما را در مورد آنچه به شما داده است، بیازماید، پس در نیکی‌ها [بر یکدیگر] پیشی گیرید. باز گشت همه شما فقط به سوی خداست و شما را (نسبت) به آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردید، خبر خواهد داد. (مائده: ۴۸)

در اعراب القرآن آمده است که کلمه منحرفا در این قسمت از آیه بعد از فعل تتبع و قبل از عما جاءک در تقدیر بوده است و نقش آن حال برای فاعل تتبع است. (صافی، ۱۴۱۸، ۳۷۰/۶)

این ایجاز کلامی مترجم را ناچار به شفاف‌سازی در ساختار زبان فارسی می‌کند. البته اولویت با آن است که مترجم با کاوش در ساختارهای زبان فارسی ساختاری معادل به ساختار موجز آیه برگزیند. با بررسی سایر ترجمه‌ها روشن می‌شود که دیگر مترجمان نیز موفق به یافتن ساختار معادل فارسی نشده‌اند و از شفاف‌سازی‌های دیگری برای حفظ دلالت آیه بهره برده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که شفاف‌سازی در این آیه ضروری و مثبت است.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ای اهل کتاب به یقین فرستاده ما پس از فاصله‌ای میان فرستادگان به سوی شما آمد در حالی که (حقایق را) برای شما روشن بیان می‌کند تا [مبادا در ستاخیز] بگویید هیچ بشارت‌گر و هشدارگری به سوی ما نیامد و به یقین بشارت‌گر و هشدارگری به سوی شما آمد و خدا بر هر چیزی تواناست. (مائده: ۱۹)

در مورد متعلق فعل يُبَيِّنُ دو احتمال در تفسیر المیزان بیان شده است: احتمال اول این است که متعلق فعل يُبَيِّنُ لَكُمْ در این آیه همان متعلق در آیه قبل است و بر اساس این احتمال، تقدیر آیه چنین می‌شود: «قد جاءکم رسولنا یبین لکم کثیرا مما تخفون من الکتاب».

پس دین اسلامی که به سوی آن دعوت می‌شوید در حقیقت همان دین خودتان است که به آن متدین هستید و آن دین را تأیید می‌کند و اگر می‌بینید که در این دین

چیزهایی هست که در دین شما نیست این موارد اختلاف بیان همان اموری است که رهبانان شما از معارف دین شما دزدیدند و از شما پنهان کردند.

در مقابل آن احتمال، احتمال دیگری هست و آن این است که خطاب «یا أَهْلَ الْكِتَابِ» تکرار خطاب قبلی نباشد بلکه خطابی از نو باشد و جمله یَبِئْسَ لَكُمْ نیز اشاره به همان بیان قبلی نباشد بلکه متعلق آن حذف شده باشد یا برای اینکه خواسته باشد عمومیت را برساند، یعنی بفرماید: «ای اهل کتاب رسولی به سوی شما آمد تا همه چیز را برای شما بیان کند» البته همه چیزهایی که احتیاج به بیان دارد و یا برای بزرگداشت آنچه حذف شده است و خواسته باشد بفهماند: «این رسول به سوی شما آمد تا امری عظیم را که شما محتاج به بیان آن هستید برایتان بیان کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۱۳/۵).

با توجه به احتمال دوم علت حذف مفعول در این آیه نشان دادن عمومیت مفعول بوده است. اگر در زبان فارسی نیز مفعول حذف شود به کار بردن این فعل متعدی بدون ذکر مفعول آن ساختار ناخوشایندی به دست می‌دهد، پس مترجم تلاش کرده است تا با ذکر مفعولی که عمومیت آیه را منتقل می‌کند، ساختار فارسی را نیز حفظ کند. بنابراین، می‌توان گفت که این شفاف‌سازی گرایشی مثبت است.

۸-۵. اشاره به مرجع ضمیر و اسم اشاره

و يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ
أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ.

و کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند آیا این (منافق) آن کسانی هستند که با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند که آنان با شما هستند؟ اعمالشان تباه گردید و زیان کار شدند.

درباره مرجع ضمیر هؤلاء با مراجعه به تفاسیر دو احتمال به دست می‌آید. احتمال اول که از ظاهر سیاق آیه برمی‌آید این است که منظور از هؤلاء یهود و نصارا است. احتمال دوم با توجه به قرینه آیه قبل «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» بیمار دلان هستند. علامه طباطبایی بین بیمار دلان و منافقین تفاوت قائل است و در تفسیر خود این تفاوت را با توجه به آیات قرآن اثبات می‌کند و در آخر نیز با توجه به دسته‌ای دیگر از آیات بیان می‌کند که در بعضی مواقع منظور از بیمار دلان، منافقین است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶۲۴/۵) مترجم با استفاده از واژه منافق دلالت معنایی آیه را به یکی از احتمالات تفسیری آن محدود کرده است و این از دیدگاه برمن فرو کاستن چند

معنایی به تک‌معنایی است و شفاف‌سازی منفی به شمار می‌رود.

قَالَ يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ.

بنی اسرائیل گفتند ای موسی تا (آنان) در آن (سرزمین) هستند ما هرگز وارد آنجا نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید و (با آنان) پیکار کنید که ما همین جا فرونشستگانیم.

از سیاق این آیه و همچنین آیه قبل برمی‌آید که منظور از فیها سرزمین بیت المقدس است، اما قرآن قصد بیان صریح آن را نداشته است. مترجم برای روشن شدن منظور آیه مرجع ضمیر را در داخل پرانتز آورده است. در حالی که می‌توانست مانند عبارت بعد از واژه آنجا استفاده کند و ابهام هدفمند آیه را تخریب نکند. این شفاف‌سازی نیز منفی است.

۸-۶. افزوده‌های مربوط به ساختار و ریشه کلمه

«... وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ...»؛ و بر (ای) نیکوکاری و خود نگهداری و (پارسایی با یکدیگر همکاری کنید). (مائده: ۲)

تقوا اسم مصدر از ریشه وقی در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۰۲/۱۵) فعل اتقوا از ریشه وقی به باب افتعال رفته است و معنای حفظ خود را می‌دهد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۸۱). ترجمه اتقوا به [خودتان را] حفظ کنید اگر چه ظاهراً شفاف‌سازی دارد، اما در واقع عبارت خودتان را چیزی خارج از واژه اتقوا نیست و به ساختار صرفی آن برمی‌گردد. بر این اساس مترجم حتی جایز بود که این عبارت را خارج از گروه بیاورد. چون در زبان فارسی ساختاری معادل باب‌های ثلاثی مزید وجود ندارد تا ایجاز آنها را منتقل کند، مترجم ناچار است به افزایش واژگانی دست بزند. با توجه به این اختلاف ساختاری و اشتقاقی بین زبان فارسی و عربی شفاف‌سازی در این مورد ضروری و مثبت است. وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. و مرد دزد و زن دزد به کیفر آنچه به دست آورده‌اند [و] به خاطر مجازات [پیشگیرانه] الهی دست‌هایشان را قطع کنید و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (مائده: ۳۸)

ذکر واژه پیشگیرانه در داخل پرانتز در ترجمه به این علت است که این واژه در واقع در معنای کلمه نکال نهفته است. نکال از ریشه نکل به معنای زنجیر است و جمع آن انکال است (قرشی، ۱۳۷۱، ۱۱۲/۷) و به معنای عقوبتی است که به مجرم می‌دهند تا از جرائم خود دست بردارد و

دیگران هم با دیدن آن عبرت بگیرند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵/۵۳۸) یعنی نکال عقوبتی است که خاصیت پیشگیری از جرائم را دارد و مترجم به این نکته در داخل پرانتز اشاره کرده است. این شفاف سازی مثبت است.

«أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ پس چرا به سوی خدا توبه (وبازگشت) نمی کنند، و از او آمرزش نمی طلبند؟! و حال آنکه خدا بسیار آمرزنده [و] مهربور است.» (مائده: ۷۴)

توبه از ریشه توب به معنای رجوع و بازگشت است. در قاموس و صحاح و اقرب الموارد قید معصیت را اضافه کرده اند و می گویند:

رجوع از معصیت، ولی رجوع مطلق صحیح است؛ زیرا این کلمه درباره خدای تعالی نیز به کار رفته است و در اور جوع از معصیت معنی ندارد مثل «لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» (توبه: ۱۱۷). در مجمع ذیل آیه ۳۷ بقره می فرماید: «اصل توبه رجوع از عمل گذشته است. گویا مجمع نیز توبه عبد را در نظر داشته است. در المیزان در جاهای متعدد آن را مطلق رجوع فرموده است و این به طور کامل صحیح است. (قرشی، ۱۳۷۱، ۱/۲۸۵)

معنای توبه در بین مردم به همان معنای اصطلاحی آن به کار می رود، یعنی توبه کردن و بازگشتن از گناه به سمت خدا. بیشتر مردم با این واژه آشنا هستند، ولی با این حال مترجم برای شفاف سازی بیشتر ریشه آن را در داخل پرانتز آورده است.

۹. نتیجه گیری

مطالعه حاضر نشان می دهد که الگوهای ارزیابی ترجمه جدید برای نقد ترجمه قرآن کارآمد هستند و به نقد علمی و بی طرف کمک می کنند. در این مقاله که گرایش شفاف سازی از الگوی آنتوان برمن در ارزیابی ترجمه رضایی اصفهانی از سوره مائده بررسی شد و نتایج زیر حاصل به دست آمد:

- در قرآن به دلایل مختلف شفاف سازی صورت می گیرد.
- از نمونه های شفاف سازی در ترجمه قرآن می توان به توضیحات تفسیری، شأن نزول، آشکار سازی عبارات مقدر، اشاره به مرجع ضمیر و اسم اشاره و افزوده های مربوط به ساختار کلمه اشاره کرد.
- در هر یک از این موارد شفاف سازی گاه به ضرورت و گاه با اختیار مترجم صورت می گیرد.
- بر اساس الگوی برمن شفاف سازی ضروری گرایشی مثبت و شفاف سازی اختیاری گرایشی منفی است.

- از میان ۱۵ مورد بررسی شده شفاف‌سازی‌های صورت گرفته در ترجمه رضایی اصفهانی در ۷ مورد مثبت و در ۸ مورد منفی بوده است.

- علت ضرورت شفاف‌سازی در ترجمه قرآن به تفاوت ساختار زبان فارسی و عربی و گاهی به ایجاز زبان قرآن برمی‌گردد.

- البته این یافته‌ها مواردی است که این مقاله موفق به جمع‌آوری آنها شده است و ممکن است موارد دیگری نیز وجود داشته باشد که با تحقیقات دیگر به دست آید.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۲. امیری، معصومه (۱۳۹۰). *بررسی افزوده‌های تفسیری ترجمه‌های معاصر در اجزاء ۹ و ۱۰*. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن.
۳. احمدی، محمد رحیم (۱۳۹۲). *آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه، معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه. نشریه نقد زبان و ادبیات خارجی*، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
۴. امینی، بنت‌الهدی (۱۳۸۸). *ترجمه مقدمه و دو فصل نخست از ترجمه و لفظ یا مهمان سرایی در دور دست اثر آنتوان برمن و تحلیل و بررسی پیکره مطالعاتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *تسنیم تفسیر قرآن کریم*. قم: مرکز نشر اسراء.
۶. چراغچی، زهرا (۱۳۹۰). *بررسی افزوده‌های تفسیری ترجمه‌های معاصر در اجزاء ۱ و ۲*. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن کریم*. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۸. زندی گوهرریزی، مهسا (۱۳۹۰). *بررسی افزوده‌های تفسیری ترجمه‌های معاصر در اجزاء ۵ و ۶*. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم و فنون قرآن تهران.
۹. صافی، محمود (۱۴۱۸). *الجدول فی اعراب القرآن*. سوریه: دار الرشید.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. فرهادی، محمد و دیگران (۱۳۹۶). *نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)*. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۷، صص ۳۱-۵۴.
۱۲. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. مسبوق، سید مهدی و دیگران (۱۳۹۴). *نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن*. *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، شماره ۴، صص ۹۹-۱۲۰.
۱۴. مهدی پور، فاطمه (۱۳۸۹). *نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن*. کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۱، صص ۵۷-۶۳.
۱۵. نیازی، شهریار، قاسمی اصل، زینب (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.